

# ملاحظات در باره محکومیت بابک زنجانی

امیرفیض- حقوقدان

## ملاحظه نخست

در طول تاریخ اسلام از شروع حکومت معاویه آیه محاربه و مفسد فی الارض (آیه ۳۳ سوره مانده) همواره دستاویز حکومت علیه مخالفان بوده است و با استناد به آن بامخالفان خود تسویه حساب کرده اند. از جمله حجاج بن یوسف در توجیه اقدامات بسیار خشنوت آمیز خود علیه مخالفان همواره اتهام محاربه را مطرح و دلیل قرار داده است. حتی کشتن حسین فرزند علی امام شیعیان را هم به اتهام محاربه وصل کرده اند و خمینی هم برای کشتن امیران ارتش شاهنشاهی ایران و هویدا همین اتهام را بکار برد اما هرگز از دوران معاویه تا روی کار آمدن (معاویه های زمان) ملاحضات شیعیه ایران دیده نشده که یک مسئله حقوقی تبدیل به محاربه و فساد فی الارض گردد. اتهامی که باب طبع جمهوری اسلامی و وسیله استفاده بیدادگاههای اوست.

## ملاحظه دوم

اتهام بابک زنجانی محاربه و فساد فی الارض است که با اعدام او به صدور حکم منتهی شده است. ولی اتهام مزبور با فعل منتسب به زنجانی تطبیق نمیکند. و همین عدم تطبیق، محاکمه زنجانی را از قالب کیفری و اتهام محاربه، خارج و به دعوی مدنی تبدیل میکند که خواسته آن مطالبه دویلیارد بدهی بابک زنجانی به شرکت نفت است.

اولین اثر این واقعیت عدم صلاحیت دادگاه صادرکننده حکم محکومیت زنجانی است.

زنجانی طرف دعوائی است که مستکف از انجام تعهداتی که از جمله است پرداخت بهای معامله، شناخته شده است. ماهیت این دعوا حقوقی است نه کیفری بنابراین دادگاه صالحه دادگاه مدنی است نه کیفری.

اگر استنکاف زنجانی از عدم انجام تعهدات و یا برگردان وجه قرارداد ناشی از بروز قوه قاهره ای باشد که دفع آن خارج از حیطه اقتدار متعهد باشد، مسئولیتی متوجه متعهد نیست و اگر قادر به پرداخت بدهی خود نباشد و معسر باشد باز هم مسئولیتی متوجه او نمیشود مگر ورشکسته به تقصیر باشد.

اظهارات دادستان و وزیر دادگستری جمهوری اسلامی به اینکه اگر زنجانی بدهی اش را بپردازد حکم اعدام او تبدیل خواهد شد، علاوه بر آنکه اعلام دستگاه قضائی جمهوری اسلامی یک تهدید و سبب سلب اصالت از حکم میشود، قرینه ای است که اتهام زنجانی کیفری نیست زیرا در مجازات و حکم کیفری، مجازات، مترتّب از جرم است و ارتباطی به امور مادی ندارد.

**نکته**

نکته ای اینجاست؛ همان اظهارات مصطفی پورمحمدی وزیر دادگستری جمهوری اسلامی دانه به تبدیل مجازات اعدام زنجانی در صورت پرداخت بدهی در تاریخ هشتم شهریور سال ۹۳ گفته است:

«برخی از ایرانیان خارج از کشور اظهار میکنند که حاضرند بدهی های زنجانی را بپردازند ولی ما نمیتوانیم اعتماد کنیم».

«تامرد سخن نگفته باشد عقل و شعورش نهفته باشد» اول آنکه هیچ ایرانی آنقدر احمق نیست تا پولی را که میلیارد ها دلار میشود و زنجانی از مال سیدعلی خورده است حاضر به جبران آن باشد. پورمحمدی که آنرا اعلام کرده به خیریت و نادانی و سادگی خودش اقرار کرده است.

دوم اینکه پرداخت پول بابت بدهی ثالث نیاز به رابطه اعتمادی بین دهنده پول و گیرنده ندارد رابطه اعتمادی در مورد قول و قرارهای شفاهی است نه داد و ستد نقدی که از طریق بانکها صورت میگیرد.

**ملاحظه سوم**

رکن اصلی در جرم محاربه قصد ایجاد رعب و وحشت و سلب آزادی از مردم است که متهم با استفاده از سلاح گرم و سرد اقدام کرده باشد.

هیچ دلیلی بر اینکه زنجانی قصد ارباب و سلب آزادی از مردم و یا مخالفت با حکومت را داشته باشد در دست نیست خاصه که دلایلی وجود دارد که سالب اتهام مزبور به اوست از جمله اینکه:

\* زنجانی مورد حمایت و تجلیل شیخ حسن روحانی، علی اکبر هاشمی رفسنجانی و جواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی بوده و مراسم تجلیل از او در عکسهای منتشر شده نشان داده شده است. چنین شخصی را نمیتوان مخالف جمهوری اسلامی شناخت خاصه به اینکه شخصی که در چنان موقعیتی است که طرف قرارداد دو میلیارد دلاری نفتی قرار گرفته است باید از مخلصین حکومت باشد نه مخالف.



\* قرارداد بستن با حکومت نه سلاح سرد است و نه سلاح گرم، یک امر حقوقی مشروع و قانونی است و هیچ ارتباطی به ایجاد هراس برای مردم ندارد و اگر یک طرف قرارداد یعنی زنجانی را ایجاد کننده هراس و سلب امنیت از مردم بدانیم نمیتوان سراغ طرف دیگر قرارداد که شرکت نفت بوده رفت.

## ملاحظه چهارم

مهمترین ملاحظه که اساساً عدم توجه وصحت دعوا را پیش می‌آورد این است:

بموجب فقه و حقوق اسلامی معادن، جز انفال است و انفال یعنی اموالی که مال خدا و پیامبر و امام باشد.

تفاوت انفال در مذهب تشیع و اسلام این است که اسلام (تسنن) انفال را فقط مختص غنایم جنگی میداند و شیعه همه اموال بلاصاحب و اراضی و معادن را ملک امام میداند؛ اشتباه نشود ملک طلق امام و در مورد جمهوری اسلامی و حکومت تشیع، از اموال شخص ولی فقیه است نه بیت المال.

اینکه آقای بهمنی رئیس بانک مرکزی گفته است دویاسه میلیارد پول بیت المال نزد بابک زنجانی است سخنش نادرست است پول مزبور متعلق به سید علی است نه مردم.

بنابراین بر اساس فقه تشیع که ملاک عمل جمهوری اسلامی است معادن نفت ایران کلاً و جزاً ملک طلق شخص خامنه ای است و شرکت نفت که بصورت عامل خامنه ای عمل میکند و در قرارداد مزبور هم عمل کرده است اگر اجازه مستقیم برای تنظیم قرارداد با بابک زنجانی نداشته باشد عمل لغوی انجام داده که در مقابل خامنه ای مسئول است و اگر با اجازه خامنه ای انجام قرارداد شده باشد خواهان دعوا خامنه ای است نه شرکت نفت ایران.

## ملاحظات پنجم

محاکمه زنجانی اقدامی برای تظاهر به مقابله با فساد است. اقدامی است که برای تسکین افکار اعتراضی مردم جریان یافته است؛ بابک زنجانی نه اعدام خواهد شد و نه پول قابل توجهی از او وصول میشود. ابعاد فساد و غارت در جمهوری اسلامی در حد غیر قابل وصف و شناسایی است. پرونده کرسنت یکی از آن ابعاد است که فاش شده است. جمهوری اسلامی ناچار است که با نمایش محاکمه بابک زنجانی خود را مبرا از فساد نشان دهد؛ ولی فراموش نکنیم که فساد در نفس جمهوری اسلام و شرعاً حلال مقرر شده است و آخوند های شیعه طبق فقه شیعه بیست درصد کل درآمد مردم کشور را حق شرعی خودشان میدانند (خمس) و تمام اموال بلاصاحب و اراضی و معادن و جنگلهای مهم مال رئیسشان میشناسند (فقه تشیع) بنابراین هر قدر که از اموال کشور بربایند به حد یک پنجم کل ثروت کشور و مردم نمیرسد و هنوز هم بسیار، بسیار طلبکارند و عمل آنها از نظر شرعی سرقت و یا اختلاس به حساب نمیآید و تصرف در مال خود به حساب میآید و سرقت و فساد مالی محسوب نمیگردد (هرکس مال خود را نزد کسی ببیند و بردارد عملش سرقت نیست).

ما مسائل جمهوری اسلامی را با تصریحات حقوق انسانی و مدرن ناشی از حاکمیت ملی بررسی و ارزیابی میکنیم در حالیکه مسائل جمهوری اسلامی امروزی متأسفانه در چارچوب حقوق فقه تشیع و قدری هم اسلام قابل تشخیص و حکم است همین مسئله فساد مالی، هر چقدر یک جامعه انسانی و حقوقی نسبت به آن حساس باشد ولی این حساسیت در جوامع تشیع وجود ندارد زیرا آخوند های شیعه شریک در تمام

دارائی کشور مردم به قدریک پنجم هستند. آیا میشود تصرف شریک رادرمال مشترک عنوان دزدی واختلاس داد؟ البته که خیر.

آخوند های شیعه خود را طلبکار از مردم ایران میدانند و میگویند <کدامین حق از این بالاتر تواند بود که هرچه دارید خمس آن حق ماست حتی از ۵ انگشت دست شما یک انگشت حق سادات است>.<sup>۱</sup>

ایرانیها نمیدانند که درچه منجلابی فرو رفته اند، نمیدانند که اگر ملاهای حاکم بخواهند دقیقاً فقه شیعه و احکام اسلامی را در ایران پیاده کننده بندرت میتوان یک ایرانی ریافت که مشمول تدابیر و احکام اسلامی نگردد که به اتهام ارتداد تمامی ثروتشان متعلق به امام و زرشان بر آنان حرام و فرزندانشان از آنان جدا و جان خودشان هم به هدر خواهد رفت. نمیدانند که جزء وکل اظهارات انبوه ایرانیان مبنی بر اینکه قوانین اسلامی جوابگوی نیاز بشریت نیست که ساده ترین اظهار همگانی است اظهار کننده رابه چاه ویل ارتداد فرو میکند، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

ایرانیهای مقیم خارج نمیدانند که قبول تابعیت کشور کفراز مراتب ارتداد و خروج از اسلام است و اگر جمهوری اسلامی بخواهد که روال احکام اسلامی و فقه شیعه رانسبت به ایرانیان خارج از کشور اجرا کند تمام دارائی های آنها در ایران به مصادره حکومت آخوندی در خواهد آمد و همسرانشان بر آنان حرام و جدا خواهند شد.

### **ایرانی ها نمیدانند که بظاهرنزنده اند ولی در واقع مرده اند و با تشیع کفن شده اند.**

در سال ۱۳۵۹ سنکر شماره ۳۱ نوشته ای داشت تحت عنوان <ملت هنوز نمیداند> جمله ای از آن تجزیه و تحلیل مفصل به اینجا آورده میشود که بدانیم هنوز هم بعد ازی و چند سال باز هم نمیدانیم.

<ملاها در طول ۱۷ ماه حکومت خود! هنوز مقررات اسلام حکومتی رادر جامعه ما به اجرانکشیده اند. به همین لحاظ خشونتی که خاص احکام اسلام حکومتی است برای ملت ایران روشن نشده است و برای روشنفکرانی که در راه برقراری این نظام کثیف، سینه چاک کردند و این رژیم! را با نهاد قانونی و هویت ملی کشور بخیال خودشان جابجا کردند آشکارنگردیده است که:>

آنهمه خیانت و غارت ویرانی که ملاها تاکنون برکشور ما وارد ساخته اند (مقصود در همان ۱۷ ماه نخست حکومت غاصبانه آنهاست) در قبال دستورات اسلامی حکومتی ظفر عدل و انصاف و مهرو دوستی است>  
(صفحه اول همان سنکر)

<sup>۱</sup> - کدام انگشت؟؟ ح-ک